

شریک شدم با صدراعظم تخته بازی کردم، این شراکت هم برای من
بیچاره نفع نکرد ضرر کرد ...

شنبه ۶ رجب المرجب ۱۳۲۲



با حسام السلطنه تُرنا بازی زیادی کردیم، حسام السلطنه تُرنای زیادی
به من زد و مرا عاجز کرد.

شنبه ۶ رجب المرجب ۱۳۲۲



امشب مهمان دارم، ... مطرب هم میرزا حسینقلی بود و باقرخان
کمانچه زن.

یکشنبه ۷ رجب المرجب ۱۳۲۲



شرف اندوز خاکپای مبارک بودم، قدری هم تخته بازی در حضور شد،
ما هم با وزیر دربار شریک بودیم و بردیم.

سه شنبه ۹ رجب المرجب ۱۳۲۲



تازگی زن امپراطور زائیده، یک پسر؛ با این شکست پی در پی از ژاپون
جشن بزرگی روس ها گرفته اند تا خدا چه بخواهد ولیعهد بشود یا خیر؟

یکشنبه ۱۴ رجب المرجب ۱۳۲۲



رفتم به شاه آباد درب خانه، ... صحبت فرنگ را بندگان اقدس می فرمودند.

سه شنبه ۱۶ رجب المرجب ۱۳۲۲



بندگان اقدس سوار اتومبیل گردیدند، صدراعظم هم جلوی اتومبیل

سوار شده بودند، به التزام رفتیم تا سلطنت آباد.

پنجشنبه ۱۸ رجب المرجب ۱۳۲۲



امروز صدراعظم نهار را منزل سعیدالسلطنه وزیر اداره نظمیه (دعوت) دارند، مرا هم وعده گرفتند.

دوشنبه ۲۲ رجب المرجب ۱۳۲۲



رفتیم منزل مقبل الدوله که باغ خاص را به علاء الدوله بفروشیم، صیغه خواندند و پول را دست گردان نمودند.

چهارشنبه ۲۴ رجب المرجب ۱۳۲۲



جلال الدوله آمد، اهل طرب هم میرزا عبدالله بود و باقرخان.

پنجشنبه ۲۵ رجب المرجب ۱۳۲۲



رفتم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف گردیدم، قدری پای مبارکشان به واسطه بارندگی هوا درد گرفته است.

جمعه ۲۶ رجب المرجب ۱۳۲۲



شب عید مولود حضرت سیدالشهداء است، آتش بازی می کردند. امشب را موثق الدوله عید می گیرد صدراعظم هم آمد، حاج شیخ زین العابدین واعظ هم بود.

چهارشنبه ۲ شعبان المعظم ۱۳۲۲



باغدرسمی، تازه از فرنگستان آمد و بعضی چیزهایی نوظهور آورده.

پنجشنبه ۳ شعبان المعظم ۱۳۲۲



رفتم منزل سپهسالار... خوابیده بود او را می‌مالیدند.

جمعه ۴ شعبان المعظم ۱۳۲۲



رفتم منزل اعتصام السلطنه، منزل بود، رفتیم میان کبوترخانه، تماشای کبوترها را نمودیم، قدری کبوتر بازی کردیم.

یکشنبه ۶ شعبان المعظم ۱۳۲۲



رفتم منزل موثق الدوله، تعزیه زوار امام حسین علیه السلام بود.

پنجشنبه ۱۰ شعبان المعظم ۱۳۲۲



چون نیمه شعبان است، مردم منزل سادات اخوی جمع شده، تبریک می‌گویند.

دوشنبه ۱۴ شعبان المعظم ۱۳۲۲



بر حسب دعوت سفیر کبیر با لباس رسمی رفتیم به سفارت عثمانی.

چهارشنبه ۱۶ شعبان المعظم ۱۳۲۲



رفتیم پارک ظل السلطان، پیش جلال الدوله، نهار خیلی خوبی سر میز خوردیم.

پنجشنبه ۱۷ شعبان المعظم ۱۳۲۲



رفتیم باغ وزیر افخم، عروسی پرش است.

شنبه ۱۹ شعبان المعظم ۱۳۲۲



رفتیم عروسی باغ وزیر افخم، امشب عروس را می آورند. منزل
حشمت السلطان، پسر رکن الدوله حالیه، دختر صنیع الدوله را گرفته اند.

دوشنبه ۲۱ شعبان المعظم ۱۳۲۲



رفتیم خیابان لاله زار، تماشای آن شخص یونانی که شتر مرغ و بز مرغ
آورده بود.

یکشنبه ۲۷ شعبان المعظم ۱۳۲۲



ظهیر الدوله از فرنگستان آمده است، رفتیم از او دیدن نمودم.

چهارشنبه غره رمضان المبارک ۱۳۲۲



سوار شدم رفتیم «طویله سوقانی» با شمس الملک قدری گردش نمودیم،
از آنجا رفتیم «طویله خاصه»، مواجب می دادند.

شنبه ۴ رمضان المبارک ۱۳۲۲



رفتیم میدان مشق، بندگان اقدس اعلی برای سان سرباز و توپچی که
مأمور لرستان و عربستان به سرکردگی سالار برادرزاده نظام السلطنه شده اند،
تشریف آوردند.

شنبه ۱۸ رمضان المبارک ۱۳۲۲



رفتم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف گردیدم، بعد با آقای سالار الدوله سوار شدیم رفتیم عشرت آباد.

یکشنبه ۱۹ رمضان المبارک ۱۳۲۲



منشی باشی قدری کتاب احوالات ناپلئون را خواند.

دوشنبه ۲۰ رمضان المبارک ۱۳۲۲



آقای شریانی که از بزرگان علمای عتبات بود مرحوم گردید، در مسجد شاه برای او ختم گذاشته اند.

جمعه ۲۴ رمضان المبارک ۱۳۲۲



به خاکپای انور اقدس مشرف گردیدم، از آنجا رفتم به منزل اعتصام السلطنه قدری بانگ و لاتاری نمودیم.

چهارشنبه ۲۹ رمضان المبارک ۱۳۲۲



حسین خان آدم شجاع السلطنه آمد پیانوی ما را کوک نموده و رفت.

شنبه ۹ شوال المکرم ۱۳۲۲



به خاکپای مبارک در فرح آباد مشرف شدم، عمارت فرح آباد بنائش تمام شده است، تمام اطافه‌هایش مبل شد.

دوشنبه ۱۱ شوال المکرم ۱۳۲۲



امروز بندگان اقدس شاهنشاهی برای صرف نهار تشریف فرمای منزل

صدراعظم می شوند من هم دعوت دارم. علاء السلطنه هم که چندی در لندن وزیرمختار بود آمده است امروز اینجا.

شنبه ۲۳ شوال المکرم ۱۳۲۲



وزیر مختار هلند آمد اینجا مدتی صحبت کردیم.

سه شنبه ۲۶ شوال المکرم ۱۳۲۲



بندگان اقدس اعلی امروز تشریف فرمای شاهزاده عبدالعظیم می شوند.

جمعه ۲۹ شوال المکرم ۱۳۲۲



حسن خان کتاب عشاق پاریس می خواند تا دو ساعت به غروب مانده.

شنبه ۲ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۲



امشب طرب بیرون داریم، حبیب سنتوری و زیور خواهرش.

یکشنبه ۲ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۲



رفتم منزل انتظام الدوله. جدّه ایشان که مادر مرحوم سردار باشد، مرحوم گردیده است.

دوشنبه ۳ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۲



به خاکپای مبارک مشرف گردیدم. وزراء و عمله خلوت تمام بودند. چند نفر شتر مست آوردند به دعوا انداختند.

سه شنبه ۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۲



مهدی خان آدم معتمد الحرم آمد که بندگان اقدس از شما هم احوالپرسی نمودند، عرض تشکرات نمودم.

جمعه ۷ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۲



فخرالملک از وزارت تجارت معزول و حاکم عراق شد. سعدالدوله وزیر تجارت شد، ریاست سوار که بروند زنجان با نظام السلطان شد، به ناصر خاقان حکم شد از طهران برود و حکومت همدان را به یمین السلطان دادند.

دوشنبه ۱۰ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۲



خبر آوردند که سپهسالار خیلی حالش بهم خورده است، چهار به غروب فوت نمودند.

سه شنبه ۱۱ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۲



رفتم منزل سپهسالار متأثر گردیم و گریه نمودم. مسجد شاه ختم برایش گذاشتند.

چهارشنبه ۱۲ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۲



بنندگان اقدس محض تسلیت، امروز عصر تشریف می آورند منزل صدراعظم.

پنجشنبه ۱۳ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۲



رفتم منزل مرحوم سپهسالار، تمام ارکان کشور (ی) و لشکر (ی) با

لباس رسمی بودند. وزیر مختار انگلیس دسته گلی آورده بود سه تیر توپ شلیک کردند. افواج صف کشیده بودند تا شاهزاده عبدالعظیم.

جمعه ۱۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۲



سیف‌الملک امیرخان سردار شد. برادر دیگرش سیف‌الملک و برادر دیگرش سهم‌الملک...

جمعه ۱۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۲



بندگان اعلیحضرت همایونی دست خط تلگرافی احوالپرسی از این چاکر فرموده بودند.

دوشنبه ۲۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۲



آخوند ملا محمد تقی کاشانی مرحوم گردیده است. مسجد شاه برای او ختم گذاشته اند.

چهارشنبه ۲۶ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۲



عصر سیف‌الملک که حالا به امیرخان سردار ملقب گردیده اند آمدند اینجا.

یکشنبه سلخ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۲



امشب در سفارت انگلیس دعوت مهمانی سواره دارم. تمام وزرای مختار بودند. هرکس هر قسم مشروب خواست خورد، خیلی خوب مجلس منظم بود.

دوشنبه غره ذی الحجة الحرام ۱۳۲۲



امشب شب چله مرحوم سپهسالار است، رستم آنجا. علاءالدوله بود.
اعظامالدوله بود، امیرخان سردار هم بود.

شنبه ۶ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۲



برای تماشای شترقربانی رستم بالاخانه معین السلطان.

چهارشنبه ۱۰ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۲



یک نفر سیاح هلندی که برای سیاحت به ایران آمده است. اینجا در
بالاخانه معین السلطان تماشای مردم که در میدان شتر قربانی می کردند بود.

چهارشنبه ۱۰ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۲



آقا سید جواد پسر مرحوم امام جمعه دختر اعلیحضرت
مظفرالدین شاه را گرفته، امروز عقدکنان دارند در گالری عمارت گلستان. آقای
نایب السلطنه و سفیر کبیر عثمانی هم آمدند.

پنجشنبه ۱۸ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۲



عموی امپراطور روس را در ورشو کشتند.

سه شنبه ۲۳ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۲



شام منزل وزیر مخصوص دعوت داشتم رستم آنجا، جمعی از فرنگی ها
بودند، خیلی خوش گذشت «بال» نمودند «سوپه» نمودند.

چهارشنبه ۲۴ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۲



دیشب آقا سید علی اکبر (تفرشی) مرحوم گردیدند.

چهارشنبه ۲۲ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۲

روزنامه خاطرات غلامعلی خان عزیزالسلطان

(ملیجک ثانی)

۱۳۲۲ هجری قمری

سنه یک هزار و سیصد و بیست و دو هجری قمری



مظفرالدین شاه قاجار

شنبه یکم شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

سوار شدم رفتم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف گردیدم تا سه ساعت به غروب مانده. تشریف آوردند به عمارت دربار جهاندار که چادر خیلی خوب زده اند برای تعزیه حضرت خامس آل عبا علیه آلاف التحية و الثناء. تعزیه خوانها آمدند، من آمدم بیرون. در بین راه برخوردیم به شاهزاده موقت الدوله که حیاط مرحوم شیخ محسن خان مشیرالدوله را اجاره نموده اند. با ایشان رفتیم آنجا. اطاقها رامبل می کردند. برای عین السلطان هم که بنا بود خانه مبشرالدوله را خریداری نمایند، نخریدند.

یکشنبه ۲ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

رفتم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف گردیدم تا وقت تعزیه. شروع به تعزیه که نمودند آمدم اطاق وزیر اعظم که در همان حیاط دربار است نشستم، وزیر مخصوص بود و مخبرالدوله. تعزیه هم وفات حضرت فاطمه سلام الله علیها بود. بعد از ختم تعزیه آمدم منزل. وضو گرفتم نماز خواندم، تا غروب کالسکه خواستم. بندگان اقدس امشب بیرون تشریف دارند. رفتم به خاکپای مبارک مشرف شدم تا ساعت پنج.

دوشنبه ۳ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

بندگان اقدس امروز تشریف بردند دوشان تپه. من هم سوار شدم رفتم. قدری دیر شده بود. بندگان اعلی حضرت تشریف بردند درّه زرک و مراجعت فرمودند. میان باغ قدری گردش کردند. همراه عضد السلطان رفتیم سر درب باغ شیرخانه، نهار خوردیم و مراجعت کردیم به باغ. بندگان اقدس تشریف برده بودند به عمارت فرح آباد. رفتم آنجا، قدری دستورالعمل درخت کاری دادند. برای استماع تعزیه زود تشریف بردند شهر. دیشب ده ساعت و شش دقیقه از شب گذشته، تحویل حمل شد. چون روز

اول سال بود رفتیم حضرت عبدالعظیم زیارت کردیم آمدیم شهر. قدری روزنامه گفتم
منشی‌باشی نوشت. میرزا محمد علی خان آمد، مدتی صحبت کردیم.

سه شنبه ۴ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

رفتم تعزیه عین الدوله، وزیر اعظم. جمعیت زیادی از زن و مرد بودند. خوب
تعزیه می‌خوانند. تشریفات تعزیه بسیار کم است، ولی خوب گریه می‌کنند. از رجال
دولت تیرالدوله بود، صنیع الدوله بود، آصف السلطنه بود و نظام السلطنه.

بعد از اتمام تعزیه آمدم منزل. بعد رفتم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف
شدم. بعد تشریف فرمای تکیه شدند. تعزیه خوان‌ها آمدند تعزیه خواندند. بعد از تعزیه،
بندگان اقدس مرا احضار فرمودند. آنجا بودم. شام را بیرون میل فرمودند. تا سه ساعت از
شب گذشته بودم.

چهارشنبه ۵ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

رفتم تعزیه وزیر اعظم. مجلس بی‌ریای خوبی بود. مردم بسیار گریه کردند.
مراجعت به منزل نمودم.

بعد از آن درشکه نشستم رفتم درب خانه به خاکپای مقدس ملوکانه نائل
گردیدم تا وقت تعزیه تشریف بردند پای تعزیه، من هم آمدم مجلس تعزیه. رفتم پیش
وزیر اعظم نشستم. ظل السلطان (هم) بود. تعزیه را خواندند، خیلی خوب تعزیه‌یی بود.
امشب در دربار شب هم تعزیه می‌خوانند. سوار شدم رفتم تعزیه. امشب تعزیه‌ی امیر تیمور
خواندند. بندگان اقدس تشریف برده بودند اندرون. چون اعلیحضرت همایونی تشریف
نداشتند خیلی تعزیه خنک بود.

پنجشنبه ۶ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

رفتم منزل وزیر اعظم پای تعزیه. جمعیت زیادی بودند. بعد از ختم تعزیه آمدیم منزل. نهار خوردیم سوار شدیم رفتیم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف شدیم. بعد از مدتی رفتیم در دربار اعظم، برای استماع تعزیه.

جمعه ۷ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

رفتم منزل وزیر اعظم پای تعزیه. جمعیت بسیاری بودند. پس از آن سوار شدیم رفتیم درب خانه به خاکپای مقدس ملوکانه مشرف شدیم. بعد از مدتی رفتیم به دربار برای گوش نمودن تعزیه. شرف اندوز حضور با هر النور بودم تا تعزیه تمام گردید. رفتم منزل امیر بهادر جنگ پای روضه. شب ها و صبح ها روضه می خوانند. جمعیت زیادی بودند از زن و مرد. موثق الدوله و حاجب الدوله بودند.

شنبه ۸ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

رفتم منزل وزیر اعظم پای تعزیه. ظل السلطان هم بود. بعد از اتمام تعزیه رفتیم سر قبر آقا که امام جمعه در آن جا روضه می خوانند^۱. تاکنون آنجا نرفته بودم. رفتیم پیش حاجی سید جواد ظهیر الاسلام نشستیم. علماء و طلاب زیادی بودند. بعد از تمام روضه رفتیم سر مقبره های مرحومان آقایان، فاتحه خواندیم.

بعد از نهار سوار شدم رفتم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف گردیدم. شروع به تعزیه دربار شد، رفتم پای تعزیه. بندگان اقدس خواب تشریف داشتند. آقای نایب السلطنه هم تشریف آوردند. بعد بندگان اقدس تشریف آوردند. بودیم تا تعزیه تمام شد. از آنجا آمدم منزل جلال الدوله. یک ساعت به غروب همراه بهرام میرزا آمدند اینجا، رفتند اندرون. چون دره الدوله گلوش درد می کند خیلی زود آمدند بیرون.

۱ - منظور این است که به خرج امام جمعه روضه می خوانند.

بهرام میرزا برادر کوچک جلال الدوله است. خیلی جوان با ادب معقولی هستند.

یکشنبه ۹ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

رفتم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف گردیدم. وقت تعزیه رفتم دربار تعزیه گردش نمودم. تا غروب بودم. «شارژدافر» عثمانی «بها بک» و «انور بک»، تعزیه بودند. غروب مراجعت به منزل نمودم، تجدید وضو نمودم، رفتم به چهل منبر و از قرار تفصیل ذیل، شمع روشن نمودم:

منزل حاج شیخ شیور، خانه آقا سید محمد، مسجد حاجی میر محمد علی، خانه حاجی سید عزیزالله، خانه امیر توپخانه، مسجد سرچشمه، تکیه عزت الدوله، تکیه سرچشمه، خانه سادات اخوی، خانه آقا سید جعفر، تکیه رضا قلی خان، خانه حاجی میرزا شفیع، تکیه پامنار، خانه آقا سید اصغر تاجر، منزل پسر نقیب السادات، منزل آقا سید ریحان الله، مسجد میرزا محمد خان سپهسالار، سقاخانه نوروز خان، خانه سلطان العلماء، مسجد آقا سید محمد دشائی، خانه مرحوم امین السلطان، مسجد جمعه، مسجد بزازها، مسجد آقا سید عزیزالله، خانه مرحوم حاجی ملا علی، امامزاده زید، مسجد شیخ عبدالحسین، سید ولی، منزل میرزا علی توپخانه، منزل صدر دیوانخانه، تکیه مستوفی الممالک، تکیه حاجی رجبعلی، منزل شریعتمدار، در خونگاه، خانه سید محسن، تکیه سنگلیج، خانه حاجی شیخ فضل الله، عمید الممک، خانه افتخار، خانه حاجی میرزا حسن.

دوشنبه ۱۰ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

رفتم تعزیه عین الدوله وزیر اعظم. پسرهای شاهزاده ظل السلطان آنجا بودند. اکبر میرزا پسر شاهزاده را تا امروز ندیده بودم، آنجا دیدم. از بهرام میرزا کوچک تر

است. تعزیه خوبی خواندند. سوار شدم رفتم به زیارت حضرت عبدالعظیم، زیارت عاشورا خواندم، آمدم شهر. نهار صرف نمودم و خوابیدم تا سه ساعت به غروب مانده. پس از آن رفتم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف گردیدم.

سه شنبه ۱۱ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

بندگان اقدس امروز تشریف فرمای دوشان تپه گردیدند. من سوار شدم رفتم دوشان تپه. سواره به درّه زرک رفتم و به خاکپای مبارک شریفاب گردیدم. دره زرک خیلی مصفا گردیده. استخرش را خیلی خوب آب انداخته‌اند. تمام عمله خلوت همایونی ملتزم رکاب مبارک بودند. امیر بهادر جنگ هم بود. سه ساعت به غروب مانده رفتیم منزل شاهزاده موثق الدوله. دیدم هنوز بکلی در این منزل جدید که قُرب منزل مخلص است تشریف نیاورده‌اند؛ مشغول اسباب‌کشی و مبیل اطاق‌ها هستند.

چهارشنبه ۱۲ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

رفتم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف شدم. وقت نهار، مراجعت به منزل نمودم. سه ساعت به غروب مانده شاهزاده ظل السلطان آمد، رفت‌اندرون. نیم ساعت تشریف داشتند، این بنده را سرافراز فرمودند و بعد از صرف چای و شربت و بستنی تشریف بردند.

پنجشنبه ۱۳ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

سوار شدم رفتم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف گردیدم. از بس که هوا بد بود، تشریف فرمای دوشان تپه گردیدند. من هم سواره به التزام رکاب اقدس اعلی رفتم تا فرح آباد. مدتی تفرج فرمودند، بعد تشریف بردند عمارت بالا. شخصی ارمنی آمد در سر درب پائین باغ، با جعبه از تخم بوقلمون و مرغ، جوجه بیرون می آورد.



محمد علی میرزا ولیعهد

«حضرت ولیعهد امروز غفلتاً وارد گردیدند»



۱- محمدعلی میرزا ولیعهد، ۲- پسر سید بحرینی، ۳- مجدالدوله، ۴- امیر تومان، ۵- آقاخان مظفرالدوله فرمانده فوج خمسه، ۶- سردار اسعدالدوله ذوالفقاری، ۷- ابراهیم حکیمی (حکیم الملک)

جمعه ۱۴ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

سوار شدم رفتم دوشان تپه. حضرت ولیعهد هم امروز غفلتاً وارد گردیدند، رفته بودند اطاق وزیر اعظم نشسته بودند. در اطاق جلو، وزیر اعظم و موقت‌الملک و امیر بهادر جنگ با اجزای حضرت ولیعهد نشسته بودند. ولیعهد هم اطاق دیگر تنها نشسته بودند. من رفتم خدمت حضرت ولیعهد رسیدم. خیلی اظهار مرحمت فرمودند. حضرت ولیعهد نهار خوردند و من رفتم پیش وزیر اعظم نهار خوردم. آنها تشریف بردند شهر. من رفتم عمارت بالا به خاکپای مبارک مشرف گردیدم. بندگان اقدس تشریف آوردند پائین، قدری گردش فرمودند، از آنجا تشریف بردند دره زرک.

شنبه ۱۵ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

امروز روز سیزدهم بهار است. رفتم خدمت حضرت ولیعهد دیدن نمودم. لقمان‌الملک را دیدن نمودم، اعتماد حضرت را که آبدار باشی است دیدن کردم، جمعیت زیادی از همه قبیل می‌آمدند و می‌رفتند، علاءالدوله هم بود. رفتم دیدن از اعتمادالحرم کردم. آنجا عبدالله خان را هم دیدن کردم. خیلی لاغر و پیر شده است. رفتم دوشان تپه، دیدم بندگان اقدس توی باغ با نایب‌السلطنه و شاهزاده مشهدی و عضدالسلطان میان آفتاب‌گردان فرنگی جلوس فرموده‌اند و فرمایشات می‌فرمودند. امروز شکار تشریف بردند «سمت سنگ آب» و «قنات». میرشکار، شکار زیادی رم داده بودند آمده بودند طرف شاه، هفت دانه صید فرموده بودند. یک اسب با یراق طلا به شاهزاده مشهدی مرحمت فرمودند. بندگان اقدس تشریف فرمای عمارت گردیدند، من هم رفتم آنجا. حضرت ولیعهد شرف‌اندوز خاکپای انور گردیدند، شعاع‌السلطنه و عضدالسلطان هم بودند. اعلیحضرت همایونی (تا) چهار ساعت از شب رفته بیرون تشریف داشتند و شام را بیرون میل فرمودند. ولیعهد (هم) آنجا شام خوردند.